



تهیه کننده: زهرا درخشنده



فهرست

۱	مقدمه .....
۲	رتبه‌بندی اعتباری و موسسات رتبه‌بندی اعتباری .....
۲	درباره سند بازل .....
۳	سند بازل I .....
۳	سند بازل II .....
۴	رکن اول: الزامات حداقل سرمایه (کفایت سرمایه) .....
۵	رکن دوم: نظارت .....
۵	رکن سوم: نظم بازار (شفافیت) .....
۶	سند بازل III .....
۶	تغییرات بازل III نسبت به بازل II .....
۶	الزامات حداقل سرمایه در بازل III .....
۸	نسبت اهرم .....
۸	الزامات نقدینگی .....
۸	تغییرات ریسک اعتباری طرف‌های قرارداد .....
۹	سندهای بازل II و III و رتبه‌بندی اعتباری .....
۹	رکن اول (رکن سرمایه) بازل II و بازل III و رتبه‌بندی اعتباری .....
۹	مزیت استفاده از رتبه‌های اعتباری برای بانکها .....
۱۰	رکن سوم (شفافیت بازار) بازل II و بازل III و رتبه‌بندی اعتباری .....
۱۰	دستورالعمل محاسبه کفایت سرمایه بانک مرکزی و رتبه‌بندی اعتباری .....
۱۱	نتیجه گیری .....



## مقدمه

مؤسسات رتبه‌بندی با کاهش اطلاعات نامتقارن در مورد اعتبار شرکت‌ها، کشورها یا ابزار مالی منتشر شده، بین سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان از یک طرف و ناشران ابزار مالی در طرف دیگر، نقش کلیدی را در بازارهای مالی ایفا می‌کنند. نقش مؤسسات رتبه‌بندی با جهانی شدن اقتصاد و جریان تامین مالی توسعه پیدا کرده‌اند و در معماری جدید بازارهای مالی، نقش مهم‌تری در مدیریت ریسک اعتباری شرکت‌ها و دولت‌ها ایفا می‌کنند.

عالی‌ترین نهاد بین‌المللی نظارت بانکی، کمیته بازل (بال) است. این کمیته مرکب است از نمایندگان ارشد بانک‌های مرکزی تعدادی از کشورهای عمده صنعتی دنیا از جمله: آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده، سوئیس، سوئد، ژاپن، کانادا و لوکزامبورگ است که معمولاً هر سه ماه یک بار توسط بانک تسویه‌های بین‌المللی به عنوان دبیرخانه دائمی آن در شهر بازل سوئیس تشکیل می‌گردد. به دلیل تشکیل جلسات مذکور در شهر بازل این کمیته به کمیته بازل معروف شده است. کمیته بازل دارای قدرت قانونی نیست و اکثر کشورهای عضو به طور ضمنی موظف به اجرای توصیه‌های آن هستند. هدف این کمیته بالا بردن درک موجود در خصوص مسائل نظارت بانکی در سراسر جهان است. این کمیته از سال ۱۹۷۴ جلسات و کنفرانس‌هایی را به منظور تدوین و ارائه اصول راهبردی و استانداردهای نظارتی در حوزه‌های مورد نیاز صنعت بانکداری برگزار کرده است. این جلسات، تدوین و تصویب سندهای بازل I، II و III را در پی داشته است. از مهم‌ترین اقدامات این کمیته، تهیه و انتشار ارکان سرمایه، نظارت و نظم بازار است.

با تعریف و تبیین استانداردهایی برای سرمایه در سندهای بازل II و III، که از رتبه‌های مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری برای این منظور استفاده می‌کنند، نقش مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری در محیط اقتصادی-مالی دنیا بیش از گذشته، تقویت شده است. از طرفی رکن سرمایه با تمرکز بر روی تسهیلات بانکی، مشوق‌هایی را برای رتبه‌بندی مشتریان بانک‌ها، در نظر گرفته است.

در این مقاله، جایگاه رتبه‌بندی اعتباری در سندهای بازل، بخصوص بازل II و III و در نهایت تاثیر رتبه‌بندی بر عملکرد بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



## رتبه‌بندی اعتباری و موسسات رتبه‌بندی اعتباری

رتبه اعتباری، نظر موسسه رتبه‌بندی در رابطه با توانایی و تمایل ناشر ابزار بدهی در ایفای تعهدات مالی است به عبارت دیگر، رتبه‌بندی اعتباری اظهار نظری درباره میزان اعتبار یک نهاد یا ناشر اوراق بهادار است. موسسات رتبه‌بندی با بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده از منابع مختلف درباره نهاد مالی یا ناشر اوراق بهادار، با توجه به وضع کلی اقتصاد و صنعت، رتبه اعتباری (ریسک اعتباری) را اعلام می‌نمایند. رتبه‌های اعتباری بر ناشران به واسطه رویه‌های مختلف قانون-گذاری از طریق تعیین شرایط و هزینه‌های دسترسی به بازار بدهی، تاثیر می‌گذارند.

از دید سرمایه‌گذاران یا به عبارتی وام‌دهندگان، رتبه‌ها، ابزاری برای غربالگری هستند که هم بر ترکیب سبد سرمایه‌گذاری و هم بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارند.

رتبه‌بندی اعتباری پیش شرط حضور در بازارهای مالی و سرمایه است و امروزه موسسات رتبه‌بندی از کلیدی‌ترین نهادهای مالی در کشورهای توسعه‌یافته به شمار می‌روند به طوری که در بازارهای مالی جهانی، کمتر سرمایه‌گذاری را می‌توان یافت که قبل از انتخاب گزینه سرمایه‌گذاری به گزارش‌های موسسات رتبه‌بندی در این رابطه توجهی نداشته باشد. از دیدگاه قانون‌گذاران، رتبه‌بندی اعتباری، توسط نهادی مستقل، حائز اهمیت است و از این رو بسیاری از مسئولیت‌های ارزیابی ریسک بدهی را به موسسات رتبه‌بندی برون سپاری کرده‌اند. همان طور که در ایران نیز وجود موسسات رتبه‌بندی اعتباری در ماده ۲۱ قانون اوراق بهادار پیش‌بینی شده است و سازمان بورس و اوراق بهادار دستورالعمل شرایط ثبت و نظارت بر موسسات رتبه‌بندی اعتباری را در ۶۹ ماده تدوین کرده است. سازمان بورس اوراق بهادار، رتبه‌بندی اعتباری را چنین تعریف می‌کند: "اظهار نظر موسسه اعتباری راجع به احتمال ایفای به موقع تعهدات شخص حقوقی، ناشر ابزار مالی مانند اوراق بهادار یا تعهد مالی خاص دیگر، که از طریق بررسی نظام‌مند توانایی‌ها و تمایل متعهد یا متعهدین، به ایفای تعهدات صورت می‌گیرد. منجر به اختصاص رتبه اعتباری معین و از پیش تعریف شده می‌گردد"

## درباره سند بازل

کمیته نظارت بانکی بازل به عنوان کمیته‌ای برای فعالیت‌های قانون‌گذاری و نظارت توسط بانک‌های مرکزی دولت‌های ده کشور (G-۱۰) در اواخر سال ۱۹۷۴، بعد از اختلالات جدی در ارزش‌های بین‌المللی و در صنعت بانکداری (به



خصوصاً ورشکستگی بانک Bankhaus Herstatt در غرب آلمان) تاسیس شد. اولین جلسه در فوریه ۱۹۷۵ برگزار شد و از آن پس جلسات به طور منظم سه یا چهار بار در سال تشکیل می‌شوند.

## I سند بازل

در سال ۱۹۸۸ اولین بار مجموعه‌ای از شروط حداقل سرمایه قانونی توسط کمیته بازل به بانک‌های دنیا معرفی شد که بعدها به سند بازل I معروف شد. منظور و هدف از کفایت سرمایه این است که بانک به حد کافی برای مقابله با بحران‌های احتمالی سرمایه داشته باشد و در شرایط تعطیلی و ورشکستگی قرار نگیرد. به مرور زمان تا سال ۱۹۹۷ مقرراتی برای ذخیره مطالبات معوق، تسویه بین بانکی، محاسبه ریسک بازار و اجازه استفاده از مدل‌های داخلی بانک‌ها ارائه شد. کمیته بازل برای انواع دارایی‌ها ضریب ریسک خاص و در عین حال بسیار ساده‌ای را اعلام و مفهوم دارایی‌های موزون شده به ریسک را معرفی کرد. در این مدل، دارایی‌های پرخطر ضریب ریسک بالاتری گرفتند و بانک‌ها باید نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون شده ۸ درصد را رعایت کنند. در این مدل اگر یک بانک دارایی‌های خود را به سمت دارایی‌های پرخطر هدایت کند، مخرج کسر، یعنی دارایی‌های موزون شده افزایش می‌یابد و در نتیجه نسبت کفایت سرمایه کم می‌شود. اگر نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد بشود یا باید سرمایه بانک را افزایش داد یا ریسک دارایی‌ها را کم کرد.

## II سند بازل

در سال ۱۹۹۹ به دنبال بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷، کمیته بازل معیارهای جدید الزامات سرمایه را ارائه کرد که به عنوان بازل II معرفی شد. این سند، موسسات مالی را ملزم به استفاده از معیارهای استاندارد برای ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی می‌کرد. در سال ۲۰۰۴ بعد از مذاکرات طولانی و مطالعات و ارزیابی‌ها، سه رکن اصلی سرمایه، نظارت و شفافیت تعریف شد. در ادامه در سال ۲۰۰۶ مقرراتی برای یکسان‌سازی محاسبه ریسک سرمایه‌گذاری‌های تجاری و نیاز کفایت سرمایه برای این‌گونه کارها به صورت محدود تعریف شد.



## ارکان اصلی سند بازل II:

### رکن اول: الزامات حداقل سرمایه (کفایت سرمایه)

رکن سرمایه در مورد حفظ و نگهداری حداقل سرمایه قانونی است، حداقل سرمایه‌ای که برای محافظت در برابر سه جزء اصلی ریسک (ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی و ریسک بازار)، که بانک‌ها با آن مواجه هستند، مورد نیاز است. جزء ریسک اعتباری از چهار طریق قابل محاسبه است:

- روش استاندارد ساده (**Simple Standardized Approach**): در این روش ریسک موزون هر دسته از دارایی‌ها بر اساس سند بازل I، نرخ‌هایی ثابت در نظر گرفته می‌شود.
- روش استاندارد (**Standardized Approach**): در این روش ریسک موزون هر دسته از دارایی‌ها بر مبنای رتبه اعتباری‌ای که توسط موسسات رتبه‌بندی اعتباری مستقل ارزیابی شده، محاسبه می‌شود.
- روش مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (**Foundation Internal Ratings-Based**): در این روش بانکها به کمک سیستم‌های سنجش داخلی خود احتمال نکول (**Probability of Default**) مقادیر زیان در صورت نکول (**Loss Given Default**) و کل ارزشی از بانک که در زمان نکول یک دارایی در معرض خطر قرار دارد (**Exposure At Default**) را محاسبه می‌کنند.
- رویکرد پیشرفته (**Advanced Internal Ratings-Based**): در این روش بانکها عواملی که در روش F-IRB محاسبه می‌کنند را با تایید سیستم‌های نظارتی تخمین می‌زنند. برای محاسبه ریسک عملیاتی سه روش متفاوت وجود دارد:
- روش شاخص پایه (**Basic Indicator Approach**): در این روش مقدار ریسک عملیاتی نرخ ثابت-معادل ۱۵ درصد-از درآمد ناخالص سالانه است.
- روش استاندارد (**Standardized Approach**): در این روش هزینه ریسک عملیاتی هر دسته از فعالیت‌های بانکی بر اساس درآمد سالانه آن دسته ضرب در فاکتور ریسک آن فعالیت، تعریف می‌شود.
- روش اندازه‌گیری داخلی (**Advanced Measurement Approach**): در این روش ریسک عملیاتی با استفاده از سیستم‌های سنجش داخلی بانکها محاسبه می‌شود.



و در نهایت برای محاسبه ریسک بازار، بازل II روش‌های داخلی و استاندارد را مجاز می‌داند، اما روش مطلوب، روش ارزش در معرض ریسک (Value At Risk) است.

در حین اجرای توصیه‌های بازل II توسط صنعت بانکداری، از قوانین سلب به سمت قوانین منعطف و تصحیح شده حرکت می‌کنیم، روش‌هایی که برای هر دسته ریسک و برای هر نوع بانک، به طور خاص طراحی می‌شوند مزیت توسعه سیستم‌های مدیریت ریسک سفارشی برای هر بانک این است که با ریسک بالقوه کمتری در حداقل سرمایه قانونی مواجه می‌شوند.

### رکن دوم: نظارت

این رکن به منظور نظارت بر اجرای صحیح رکن اول تعریف شده‌است که به نهاد نظارتی، ابزار بهتری از آنچه قبلاً در اختیار داشته، می‌دهد. همچنین این ستون چارچوبی برای مواجهه با ریسک سیستماتیک، ریسک تمرکز، ریسک استراتژی، ریسک حسن شهرت، ریسک نقدینگی و ریسک قانونی ارائه می‌کند.

### رکن سوم: نظم بازار (شفافیت)

این رکن با توسعه مجموعه‌ای از الزامات افشای اطلاعات به منضبط شدن بازار کمک می‌کند که به فعالان بازار اجازه می‌دهد که به اطلاعات کلیدی در مورد سرمایه، انواع ریسک‌ها، فرآیندهای ارزیابی ریسک‌ها و در نتیجه کفایت سرمایه موسسات و نهادهای مالی دسترسی داشته باشند. قانون متمم شفافیت بازار، با عنوان اشتراک اطلاعات، ارزیابی بانک توسط دیگران (شامل: سرمایه گذاران، تحلیل گران، مشتریان، دیگر بانکها و موسسات رتبه‌بندی و...) را تسهیل می‌کند. با افشای اطلاعات در قالب یک چارچوب معین، بازار به صورت موثر و کارا از ریسک‌هایی که بانک در معرض آنها قرار دارد مطلع می‌شود و از طرفی افشای اطلاعات به صورت پیوسته و قابل فهم، قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهد. افشای اطلاعات صرف از نظر افشای اطلاعات کیفی مثل انتشار خلاصه اهداف و سیاست‌های کلی مدیریت ریسک که ممکن است به صورت سالانه منتشر شود، لازم است که حداقل دو بار در سال صورت بگیرد. همچنین موسسات مالی را ملزم به اتخاذ یک رویه رسمی در مورد اعتبار و تعداد دفعات آنچه منتشر می‌کنند، می‌نماید.

### سند بازل III

پس از بحران مالی و اعتباری جهان که طی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۱۱ از بخش بانکی ایالات متحده آغاز شد، کمیته نظارت بر بانکداری بازل، مجموعه‌ای از مقررات بانکی جدید را با هدف جلوگیری از بروز بحرانی دیگر، که عمده دلیل آن سطح پایین سرمایه نسبت به دارایی‌های بانک‌ها بود، تحت عنوان بازل III تنظیم و معرفی کرد. بر اساس این سند، بانکهای جهان ملزم به نگهداری سرمایه بیشتری شدند، این بدان معناست که در آینده و در صورت بروز بحران، توانایی بیشتری در مقابل زیان‌ها داشته باشند به طوری که به کمک دولت‌ها نیاز نداشته باشند.

سند بازل III توسعه چارچوب بازل II است و استانداردهای کفایت سرمایه و نقدینگی جدیدی را برای تقویت نظارت، تنظیم قوانین و مدیریت ریسک همه بخش‌های مالی و بانکداری معرفی می‌کند.

این سند توسط اعضای کمیته بانکداری بازل در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ مورد تصویب قرار گرفت و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ معرفی شد. الزامات بازل III در واکنش به نواقص قوانینی وضع شد که طی بحران‌های مالی دهه ۲۰۰۰ بروز پیدا کردند. بازل III قصد دارد الزامات حداقل سرمایه بانکها را به واسطه تعریف نسبت‌های نقدینگی و نسبت اهرم جدید تقویت کند.

چارچوب جهانی سرمایه و سپرده‌های سرمایه جدید، موسسات مالی را ملزم به نگهداری سرمایه بیشتر و با کیفیت‌تر از آنچه توسط بازل II معرفی شده بود، می‌کند.

در نسبت اهرم جدید تاکید بر بدون ریسک بودن است حال آنکه پیش از این تاکید بر میزان ریسک بود. نسبت‌های نقدینگی جدید، اطمینان می‌دهند که سرمایه بانک‌ها در صورت بروز بحران‌های شدید مالی حفظ خواهند شد.

### تغییرات بازل III نسبت به بازل II

#### الزامات حداقل سرمایه در بازل III

یکی از اصلاحات کلیدی در بازل III این است که تغییرات بیش از حد دارایی‌های موزون شده بر اساس ریسک را کاهش دهد. در اوج بحران مالی جهانی، طیف وسیعی از ذینفعان اعتماد خود را به نسبت‌های سرمایه موزون شده بر حسب





ریسک را که بانکها گزارش می دادند، از دست دادند. تجدید نظری که در چارچوب قانونی صورت گرفت کمک می کند تا به وسیله اقدامات زیر، اعتبار را به محاسبات دارایی های موزون شده بر حسب ریسک، برگرداند.

- افزایش استحکام و حساسیت ریسک روش های استاندارد برای محاسبات ریسک اعتباری و ریسک عملیاتی که مقایسه بین نسبت های سرمایه بانک را تسهیل می کند.
- محدودیت استفاده از روش های و مدل های داخلی بانکها
- تکمیل نسبت سرمایه موزون شده بر حسب ریسک با نسبت اهرم

بازل III اقدامات زیر را برای تقویت حداقل سرمایه و سپرهای سرمایه بیشتر معرفی می کند:

سپر محافظت از سرمایه برای جذب زیان هایی در نظر گرفته شده است که در طول دوره های فشار مالی و اقتصادی بروز پیدا می کنند. موسسات مالی ملزم شده اند که سپر حفاظت از سرمایه ۲,۵ درصدی را برای مقاومت در دوره های فشار نگهداری کنند. این بدان معناست که میزان کفایت سرمایه بانکها در شرایط عادی باید ۲,۵ درصد بیش از ۸ درصد باشد. هدف از این ۲,۵ درصد حفاظت از سرمایه بانک در شرایط بحران اقتصادی است؛ یعنی بانکها باید حداقل ۱۰,۵ درصد نسبت کفایت سرمایه در شرایط عادی داشته باشند تا در شرایط بحرانی به کمتر از ۸ درصد نرسد. موسسات مالی که سپر محافظت از سرمایه کافی را نگهداری نکنند با محدودیت هایی در پرداخت سود نقدی، باز خرید سهام و سهام جایزه مواجه خواهند شد.

سپر ضد چرخه ای سرمایه بین صفر تا ۲,۵ درصد از سرمایه، که با توجه به چرخه های اقتصاد داخلی یک کشور در نظر گرفته می شود. این سپر یک لایه اضافی بر سپر محافظت از سرمایه است. به کمک این لایه بانک های مرکزی از رشد سریع اعطای تسهیلات در شرایط خوب اقتصادی جلوگیری می کنند و مانع پایین آمدن کیفیت تسهیلات می شوند. علاوه بر مقرراتی که ذکر شد، بازل III برای بانک های بزرگ و دارای خطر گسترش سیستمیک بحران، ۲/۵ درصد سرمایه بیشتر از سایر بانکها در نظر گرفته است (مجموعاً کفایت سرمایه ۱۵,۵ درصد). عدم تشویق بانکها به بزرگ شدن بیش از حد، هدف این تصمیم گیری بوده است تا دولتها مجبور نشوند برای نجات آنها وارد عمل شوند.

حداقل نسبت کفایت سرمایه در حالت عادی در سطح هشت درصد باقی مانده است، با افزایش سپر حفاظت از سرمایه، مجموع سرمایه نهاد مالی باید ۱۰,۵ درصد دارایی های موزون شده آن بر اساس ریسک باشد. یعنی بانکها باید حداقل ۱۰,۵ درصد نسبت کفایت سرمایه در شرایط عادی داشته باشند تا در شرایط بحرانی به کمتر از ۸ درصد نرسد.



### نسبت اهرم

بازل III یک حداقل نسبت اهرم معرفی کرده است، علاوه بر محاسبات نسبتا پیچیده کفایت سرمایه که به ضرایب ریسک برای دارایی های مختلف وابسته هستند، یک محاسبه ساده و بدون ضرایب ریسک هم در نظر گرفته شده که در آن نسبت سرمایه آورده و سود انباشته به کل دارایی ها باید بیش از ۳ درصد باشد. هدف از این کار نوعی کنترل در مقابل بازی با اعداد در مدل های داخلی بانک ها برای محاسبه ضرایب ریسک است.

### الزامات نقدینگی

بازل III، دو نسبت نقدینگی معرفی می کند:

نسبت پوشش نقدینگی (**Liquidity Coverage Ratio**)، این نسبت اطمینان می دهد که بانک مقدار کافی از دارایی هایی با نقد شوندگی بالا، برای ۳۰ روز مقاومت در شرایط بحران را در اختیار دارد.

نسبت خالص سرمایه گذاری با ثبات (**Net Stable Funding Ratio**)، این نسبت با ایجاد انگیزه تامین مالی فعالیت های بانکی با منابع با ثبات تر، باعث افزایش مقاومت بانک در افق های زمانی بلند مدت تر می شود. در این نسبت، منابع بانک از نظر ثبات طبقه بندی می شوند و در مقابل، نیاز بانک به منابع با ثبات یا دراز مدت سنجیده می شود. منابع با ثبات بانک باید پوشش کافی برای نیازهای دراز مدت خود فراهم کند.

### تغییرات ریسک اعتباری طرف های قرارداد

بازل III الزامات سرمایه ای را برای پوشش ریسک تعدیل ارزش اعتبار (**Credit Value Adjustment**) و الزامات سرمایه بالاتری را برای بنگاهداری بانک ها معرفی می کند. در بازل ۳ شرایط بسیار سختی برای سرمایه گذاری های تجاری و بنگاهداری در نظر گرفته شده که عملا بانک ها را مجبور به خروج از این نوع سرمایه گذاری ها می کند. کمیته بازل مستقیما بانک ها را از بنگاهداری منع نکرده، اما در مقابل ضریب ریسک ۱۲۵۰ درصدی برای داشتن عمده سهام شرکت های تجاری در نظر گرفته است. معنی ضریب ریسک ۱۲۵۰ درصدی این است که منابع برای سرمایه گذاری های عمده در شرکت های تجاری باید توسط خود سهامداران بانک تهیه شود نه از منابع سپرده گذاران. سایر سرمایه گذاری های بورسی هم دارای ضرایب ریسک بالایی (تقریبا ۳۰۰ درصد تا ۶۰۰ درصد) هستند و عملا سهامداران بانک ها را مجبور می کند که از سرمایه گذاری های بورسی پرهیز کنند.



## سندهای بازل II و III و رتبه‌بندی اعتباری

در دهه‌های اخیر استفاده از رتبه‌های اعتباری که توسط موسسات رتبه‌بندی اعتباری مستقل ارزیابی شده‌اند، در قانون‌گذاری صنعت بانکداری افزایش پیدا کرده است. یکی از نمونه‌های بارز این مورد، قوانینی است که توسط کمیته بازل II منتشر شده و تعیین حداقل سرمایه قانونی را با ریسک‌های موجود در صنعت بانکداری، مرتبط می‌کند. بازل II و به تبع آن بازل III نقش موسسات رتبه‌بندی را در ارزیابی ریسک اعتباری در صنعت بانکداری تقویت کردند و به کشورها انگیزه دادند تا روند توسعه موسسات رتبه‌بندی اعتباری و فرهنگ اعتبار را تسهیل کنند. طبق آنچه در بخش معرفی سندهای بازل II و III ذکر شد پیاده‌سازی و اجرای رکن اول (رکن سرمایه) و رکن سوم (نظم بازار) موجب پررنگ شدن و تقویت نقش موسسات رتبه‌بندی اعتباری در محیط اقتصاد جهانی و کشورها شد.

### رکن اول (رکن سرمایه) بازل II و بازل III و رتبه‌بندی اعتباری

تغییرات قوانین در الزامات سرمایه بانکها بر اساس بازل II، نقش جدیدی را برای رتبه‌بندی اعتباری تعریف کرد. اجرای روش استاندارد (SA) برای تعیین ریسک اعتباری بر اساس رکن اول بازل II، به بانکها و نهادهای مالی اجازه داد تا رتبه‌های منتشر شده وام‌گیرندگان را که توسط موسسات رتبه‌بندی اعتباری مستقل مورد ارزیابی قرار گرفته بودند، به عنوان وزن ریسک هر دسته از دارایی‌ها استفاده کنند. به عبارت دیگر، برای تعیین وزن ریسک دارایی‌ها در محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای دسته‌های مختلف وام‌گیرندگان، می‌توان از رتبه‌های اعتباری آنها استفاده کرد.

### مزیت استفاده از رتبه‌های اعتباری برای بانکها

پس از معرفی سندهای بازل یک تا سه، نقش سرمایه قانونی بانکها در تصمیم‌گیری آنها برای وام‌دهی از اهمیت خاصی برخوردار شد به نحوی که سرمایه بانک مهم‌ترین نقش را برای تصمیم‌گیری در خصوص ساختار دارایی ایفا می‌کند. محدودیت‌هایی که قوانین بانکی برای بانک‌هایی با نسبت کفایت سرمایه کمتر از حد نصاب قانونی در نظر گرفته است، مثل محدودیت در اعطای تسهیلات و تعهدات مالی کلان، محدودیت در تقسیم سود، ممنوعیت افزایش سرمایه از طریق سود انباشته و باز خرید سهام، شاهد این مدعا است.

سند بازل II و به تبع آن بازل III، با تمرکز بر روی تسهیلات بانکی، مشوق‌هایی را برای رتبه‌بندی مشتریان در نظر گرفته است.



با توجه به روش‌های محاسبه کفایت سرمایه، که از تقسیم سرمایه بانک بر دارایی‌های بانک که بر اساس میزان ریسک (اعتباری، عملیاتی، بازار) آنها موزون شده، به دست می‌آید. هر چه ریسک یک دارایی کمتر باشد، بانک از کفایت سرمایه بهتری برخوردار خواهد بود. از آنجا که بر اساس روش استاندارد، وزن هر دارایی بر اساس رتبه اعتباری تعیین می‌شود، دارایی با رتبه اعتباری بهتر ریسک کمتر و در نتیجه وزن کمتری در محاسبات کفایت سرمایه خواهد داشت و نسبت کفایت سرمایه بانک بهتر خواهد شد.

از آنجایی که تسهیلات اعطایی بانک یکی از طبقات دارایی بانکها است، در صورتی که بانک، رتبه اعتباری متقاضیان وام را در نظر بگیرد و تنها به متقاضیانی تسهیلات اعطا کند که رتبه اعتباری بالایی (ریسک نکول کمتر) دارند، در این صورت وزن تسهیلات در محاسبات نسبت کفایت سرمایه بانک کمتر خواهد شد و در نتیجه بانک، امکان اعطای وام بیشتر و به تبع آن، کسب درآمد بیشتر را خواهد داشت.

به‌علاوه از دید اقتصاد کلان، به دلیل اعطای وام به وام‌گیرندگانی که توانایی و تمایل بیشتری در پرداخت تعهدات مالی خود دارند، موجب تخصیص منابع مالی به قسمت‌های کارای اقتصاد خواهد شد.

### رکن سوم (شفافیت بازار) بازل II و بازل III و رتبه‌بندی اعتباری

علاوه بر بازیگران بین‌المللی که در راستای شفافیت بازار فعالیت می‌کنند، موسسات رتبه‌بندی اعتباری با مدل‌ها، تحلیل‌ها و داده‌های وسیعی که در اختیار دارند با رتبه‌ها و نظرات خود نقش مهمی را در ارائه اطلاعات به فعالان و ناظران بازار ایفا می‌کنند. به خصوص پس از معرفی بازل II، بسیاری از فعالین بازار در سیستم‌های مالی مختلف و اقتصادهای متفاوت، خود را با استانداردهای مبتنی بر رتبه وفق دادند.

### دستورالعمل محاسبه کفایت سرمایه بانک مرکزی و رتبه‌بندی اعتباری

دستورالعمل محاسبه کفایت سرمایه با عنوان " آئین نامه سرمایه پایه بانکها و موسسات اعتباری و آئین نامه کفایت سرمایه (بانکهای دولتی و غیردولتی)" توسط شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ تصویب شد. این دستورالعمل با توجه به سند بازل I، برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه و موزون کردن دارایی‌های بانک با ریسک آنها، ریسک واحدی را برای هر طبقه از دارایی در نظر گرفته بود. مبنای محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانکهای ایران، تا سال ۱۳۹۶، این دستورالعمل بوده است. در مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۳، شورای پول و اعتبار دستورالعمل جدیدی را با عنوان "دستورالعمل محاسبه



سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری " تصویب کرد. این دستورالعمل بر گرفته از سند ۱۵-IFRS تحت عنوان "استاندارد کفایت سرمایه برای مؤسسات ارایه دهنده خدمات مالی اسلامی" و سندهای بازل II و III است. این دستورالعمل از تاریخ ابلاغ لازم اجرا بوده و چنانچه نسبت کفایت سرمایه بانکها و مؤسسات اعتباری کمتر از ۸ درصد شود، موظف هستند نسبت مذکور را طی دوره ۵ ساله به ۸ درصد برسانند، بانک مرکزی محدودیت‌هایی را برای بانک‌هایی که حداقل کفایت سرمایه را دارا نیستند، در نظر گرفته است، از جمله: کاهش حدود احتیاطی مثل: تسهیلات و تعهدات کلان، ممنوعیت فعالیت در بازار بین بانکی، سلب صلاحیت مدیران، ممنوعیت پرداخت پاداش به هیات مدیره و پرداخت سود حداکثر ۱۰ درصدی.

در این دستورالعمل منطبق با سند بازل II و III، از رتبه اعتباری وام گیرندگان به منزله وزن ریسک آن‌ها در محاسبه نسبت کفایت سرمایه استفاده شده است. با این تفاوت که تنها رتبه‌های اعتباری وام گیرندگان و ناشران ابزار مالی را به رسمیت می‌شناسد که رتبه‌های آن‌ها توسط مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری استاندارد اند پورز (Standard & Poor's)، فیچ (Fitch) و مودیز (Moody's)، ارزیابی شده باشند.

### نتیجه گیری

امروزه رتبه بندی اعتباری در بازار پولی و مالی نقش اساسی ایفا می کند و به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران با ناشران و اعطا کننده تسهیلات (بانکها) با وام گیرندگان منجر می شود. رتبه بندی اعتباری کارایی بازار، اعم از کارایی اطلاعاتی و تخصیصی را افزایش می دهد؛ زیرا برای ناشران و متقاضیان منابع این امکان را فراهم می آورد تا صلاحیت اعتباری خود را به سرمایه گذاران یا اعطا کننده منابع اعلام کنند و به این ترتیب، مؤسسات رتبه‌بندی با ارائه اظهارنظر بی طرفانه، کارشناسانه و قابل اتکا به تخصیص سرمایه به صورت بهینه کمک می کند.

از سوی دیگر کمیته بازل با طرح سه الزام حداقل سرمایه، نظارت و شفافیت (افشا اطلاعات)، جایگاه و نقش ویژه‌ای را برای مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری در تحقق اهداف سند مزبور در صنعت بانکداری تعریف نمود. در رکن سرمایه، با معرفی رتبه اعتباری به جای ضریب ریسک در محاسبه نسبت کفایت سرمایه، بازل II و به تبع آن بازل III، این فرصت را در اختیار بانک قرار می‌دهد تا در اعطای تسهیلات موفق‌تر و دقیق‌تر عمل کند. همچنین در رکن شفافیت بازار، بانکها با



استفاده از خدمات موسسات رتبه بندی در اعطای تسهیلات و همچنین اخذ رتبه اعتباری برای خود بانک و تلاش برای دستیابی به رتبه های بهتر، نقش کلیدی در ایجاد شفافیت و افشا اطلاعات در بازارهای مالی دارا هستند.

با تحلیل فضای مالی و اقتصادی ایران ، دسترسی محدود متقاضیان معتبر به منابع در کنار حجم وسیع مطالبات معوق و مشکوک الوصول در شبکه بانکی، تعامل و همکاری موسسات رتبه بندی و بانکها را بیش از پیش ضروری ساخته و به نظر می رسد شروع فعالیت شرکتهای رتبه بندی ایرانی تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار، این امکان را فراهم می آورد تا بانکها و موسسات مالی و اعتباری، برای اجرای صحیح و اصولی دستورالعملهای اعتباری، نظارتی و الزامات کفایت سرمایه بازل II و III، بتوانند از رتبه های اعتباری که توسط شرکتهای رتبه بندی مورد ارزیابی قرار گرفته اند، استفاده نموده و این مهم در نهایت منجر به بهبود فضای کسب و کار و افزایش شفافیت ، تسهیل فرآیند تامین مالی برای بنگاه ها ، گسترش فضای اعتماد پولی و مالی کشور گردد.